

# اقرار

ملکة دلائل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال جامع علوم انسانی

تصدیق و اذعان شخص را بر وقوع یا وجود امری بر ضررش یا ارتکاب عملی که موجب مسئولیت و زیان خود شخص باشد «اقرار» می نامند .  
بعبارت جامع اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود و عم چنین اخبار بارتکاب خلاف یا جرمی که موجب مسئولیت یا محکومیت اقرار کننده باشد .

اقرار جانشین دلیل است و اغلب قوی تر و مؤثر تر از آن و بقول فرانسویها

ملکه دلائل است برای اثبات جرم مشهود نیازی باقرار نیست ولی چون تبه کاران حرفه‌ای و مجرمین حیلہ گر کمتر حین ارتکاب دستگیر میشوند اقرار بهترین وسیله حصول یقین و آرامش خاطر قاضی و آرام کننده وجدان عمومی است و با تکیه اقرار صریح و صحیح بازپرس و دادرس میتوانند فارغ از عذاب وجدان و بدون تأسف و تردید قرار ورأی صادر کنند زیرا هیچ عاقلی حاضر نمیشود که بضرر خود اظهاری کند و اگر اقرار بدون آلایش و اجبار، دوازده حیلہ و تزویر باشد اقوی حجت است. البته توسل با آزار و شکنجه متهم هم ممکن است منجر و منتهی باقرار شود ولی علاوه بر اینکه از لحاظ حقوقی مجوز ندارد بلکه ممنوع است اعتبار و ارزش اقرار آزاد و بی شائبه را ندارد، مثلاً چند روز قبل خواندیم که سر باز دشمن زنهای اسیر را گرفته و سرهای آنها را مدتی زیر آب فرو برده است تا بر علیه خود یا دسته و گروه خود اقرار کنند. این اقرار بر اثر اضطراب و اجبار بوده و بسامکن است فقط برای فرار از شکنجه و برخلاف واقع باشد.

بهمین دلیل در دعاوی جزائی اساساً اقرار به تنهایی برای ثبوت ارتکاب جرم کافی نیست و دادرس نمی‌تواند بصرف اقرار و اظهار متهم او را محکوم کند بلکه باید تقصیری را که متهم به خود نسبت میدهد رسیدگی کند و بدرجه ثبوت برساند زیرا ممکن است اقرار علت خاصی داشته باشد و بدون ارتکاب بر اثر اختلال مشاعر یا داشتن مقاصد مخصوص کسی ارتکاب جرمی را به خود نسبت دهد و اقرار کند مثلاً ولگردی برای فرار از سرمای کوچه و خیابان اقرار به سرقت یا جرم دیگری کند تا بزندان برود، یا محکوم زندانی اقرار به جرم جدیدی کند تا از زندانی به زندان دیگر منتقل شود و از یکنواختی محیط و شرائط برهد یا کسی برای کسب شهرت و با علم باینکه هر تکب اصلی و حقیقی یا دلائل غیر قابل فرار و انکار دستگیر خواهد شد اقرار به جرمی کند که از اتهام و براءت و بازداشت و آزادی کسب شهرت کند و عکس و اسمش در روزنامه و رادیو منعکس گردد بنا بر این صحت و سقم اقرار محتاج به رسیدگی دقیق است و قاضی تحقیق باید نتایج حاصله و

آثار ممکن الحصول اقرار را نسبت باقرار کننده و اشخاص ثالث بررسی کند .  
در امور و مسائل حقوقی وقتی شخصی بر ضرر خود اقراری کرد دلیل دیگری لازم نیست یعنی اگر کسی بضرر خود اظهار کرد یا از حقوق و منافع خود با اظهار و اقرار به نفع غیر صرف نظر کرد دادرس محدود و مجبور به رعایت و تسلیم است .

اقرار یا صریح است و یا ضمنی کتبی است یا شفاهی و در مورد مقر لال با اشاره .  
اقرار واقعی اقرار صریح است که شخص بالغ و عاقل و قاصد و مختار کرده باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در زمان صغیر یا در حال دیوانگی و اقرار غیر قاصد و مکره مؤثر نیست .

اقرار سفیه در امور مالی و اقرار مفلس و ورشکسته نسبت باموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست . اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه باموال خودشان تا زمانیکه افلاس یا عدم افلاس قطعاً ثابت و محرز نشده باشد منشاء اثر نمی گردد .  
اقرار معلق و اقراری که به نفع مقرله مجهول مطلق باشد بی اثر است .  
در مقرله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه بنفع او اقرار شده است باشد مثلاً اگر زنی اقرار کند که زوجه کودک سه ساله است چون کودک سه ساله قانوناً نمی تواند ازدواج کند وزن داشته باشد این اقرار اثر ندارد و در صحت اقرار تصدیق مقرله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق وی اثری نخواهد داشت .

اگر کسی در شرائطی که گفته شد یعنی بالغ و عاقل و قاصد و مختار اقرار بحقی برای غیر کند ملزم باقرار خود خواهد بود و انکار بعد از اقرار پذیرفته نیست ولی در صورتیکه کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت مثلاً اگر ثابت شود که مقرله یا شخص یا اشخاص ثالثی با اسلحه و تهدید یا بصورت دیگری برخلاف واقع اقرار کننده را مجبور کرده اند تا وی کتباً یا شفاهماً بضرر خود اقراری کرده است و بعد از علنی که قابل قبول باشد ثابت شود که اقرار

فاسد بوده است اقرار از اثر می‌افتد اما اینگونه دعاوی مادامیکه اثبات نشده مضر باقرار نیست .

اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص وقائم‌مقام قانونی او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست .

اقرار چه در دعاوی حقوقی و چه در امور جزائی ممکن است قبل از شروع به تعقیب صورت گرفته باشد یا در جریان تعقیب و دادرسی .

اقرار کتبی از حیث تأثیر مثل اقرار است که در ضمن تعقیب و دادرسی شده باشد. اقراریکه در مراحل گوناگون تعقیب کیفری بعمل آمده با توجه باینکه متهم عادتاً از عواقب اظهارات خود کم‌وبیش مطلع است از سایر دلایل اطمینان بخش‌تر است اما بهر اقراری نمیتوان اطمینان داشت زیرا ممکن است اقرار برای کسب شهرت یا اغفال بازپرس و یا انحراف ذهن قاضی و از بین بردن دلایل و آثار جرم یا از روی فداکاری برای تخفیف مجازات دوست یا نجات فرزند یا زن یا معشوق باشد یا کسی بر اثر یأس و نومیدی و فقر و بدبختی بقصد خودکشی اقراری کند بهمین لحاظ در قوانین کیفری بعضی از کشورها علاوه بر سایر شرایط صحت و اعتبار اقرار اضافه شده است که اقرار نزد بازپرس فقط در صورت تکرار در دادگاه معتبر است و اقرار در صورتی معتبر است که صرفاً جواب ساده (بله یا نه) نباشد و حتماً شرح قضیه را با جزئیات و کیفیات آن متضمن باشد یعنی اگر کسی اقرار کرد که فلان سرقت را کرده و ضمن توضیح گفت در راه آهن تهران مشهود بوده و ضمن تحقیقات معلوم شد در آن ایام قطاری حرکت نکرده و ایاب و ذهاب بعلمتی موقوف بوده است و با انواع اظهارات دیگر متهم معلوم شد اقرار نزد بازپرس صحیح نبوده است دادرس در رأی خود اقرار را غیر قابل استناد و اثر اعلام میکند ولی برعکس اقرار حقوقی را غیر قابل انکار و غیر قابل تفکیک میدانند .

در دعاوی حقوقی مقرله نمی‌تواند آن قسمت از اقرار را که به نفع اوست قبول و قسمتی را که بر ضرر اوست رد کند در صورتیکه در امور کیفری همانطور که صحت

وسقم اقرار بسته بنظر دادرس است می تواند قسمتی از اقرار را که راجع به بعضی از جهات جرم است قبول و قسمت دیگر را رد کند زیرا ممکن است متهم برای تخفیف مجازات یا برائت از مسئولیتی مطالبی بسازد و اضافه کند مثلاً متهم بقتل مطالبی هم بر خلاف واقع بعنوان دفاع از نفس یا ناموس و اثبات اینکه قبل از حادثه وقوع قتل را پیش بینی نکرده است اضافه کند یا سارقى ضمن اقرار به سرقت محل اخفاء مال مسروقه و فروش باشخاص یا سوزاندن و یا به آب انداختن را برای اضرار غیر اقرار کند این اقرار در امور کیفری قابل تفکیک است و می توان سرقت را ثابت و بقیه را محکوم به رد دانست .

### غفت همی می

از دست رفتن عفاف زنان بقدری تاثیرات بد دارد و باندازه ئی نواقص و معایب تولید میکند و طوری روح مردم را فاسد مینماید که اگر کشوری دچار آن گردد و این اصل مهم از بین برود بدبختیهای زیادی از آن ناشی میگردد بخصوص در حکومت دموکراسی از دست رفتن عفت بزرگترین بدبختیها و مفاسد را باعث میشود تا جائیکه اساس حکومت را دچار خطر میکند باین جهت قانونگذاران خوب عفت را توصیه و از زنان توقع وقار در اخلاق را دارند .  
متسکیو